

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی^۱
سال سیزدهم - شماره دوازدهم - اسفند ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۸

بررسی سبک‌شناسی اشعار «فطرت مشهدی»

(ص ۲۴۱-۲۵۸)

کامران کسایی^۲

تاریخ دریافت مقاله: خرداد ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: شهریور ۹۹

چکیده:

زمینه و هدف: در میان انواع نقد و دانشهای زبانی و ادبی، سبک‌شناسی یکی از راههای نقد روش‌مند است که با آگاهی از امکانات این دانش و به دور از تفسیرهای ذوقی و تضادهای شخصی، میتوان متون ادبی از جمله دیوان شاعرانی که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند را مورد بررسی و پژوهش قرار داد و از این طریق به بازتولید نظریه‌ها و ایده‌های جدید سبک‌شناسی پرداخت. این پژوهش میکوشد تا با بازنگری در اشعار یکی از شاعران گمنام سبک‌هنده به نام فطرت مشهدی، به طور عملی و علمی، ویژگیهای سبکی اشعار وی را در سطوح زبانی، ادبی و فکری نشان دهد.

روشها: این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: میرزا معزالدین محمد موسوی خان فطرت فرزند میرزا فخر و نواده دختری یکی از علمای بزرگ مشهد به نام «محمد زمان مشهدی» است که در سال ۱۰۵۰ ه.ق در مشهد به دنیا آمد. در جوانی به اصفهان رفت و پس از تحصیلات دینی و ادبی به هند مهاجرت کرد. در آنجا مورد توجه اورنگ زیب، پادشاه هند قرار گرفت و داماد او شد. او در هند به مناصب بلند دیوانی رسید و در سال ۱۱۰۱ ه.ق در همانجا از دنیا رفت. اشعار وی از منظر سبک‌شناسی در سبک‌هنده سروده‌است. در اشعار وی ویژگیهای سبک‌هنده به وضوح دیده میشود، مسائلی از قبیل: فراوانی تشخیص، کاربرد اسلوب معادله، استفاده از تلمیحات مختلف برای خلق مضامین و تصاویر تازه و...

نتیجه‌گیری: پر بسامدترین موضوع در سطح فکری اشعار فطرت مشهدی به ترتیب شامل موارد زیر است: عشق، پند و حکمت، شکوائیه، عرفان و... در سطح زبانی، استفاده از اوزانی و بحوری مانند رمل و هزج موجب روانی شعر فطرت شده‌است. بسامد واژگان عامیانه به نسبت واژگان عربی و ترکی بسیار بالاتر است. همچنین استفاده از واژگان مربوط به سبک‌شناسی به اشعارش جلوه خاصی بخشیده است. از منظر ادبی نیز استفاده از تشبیه، تشخیص، ایهام و تلمیح بسامد بیشتری نسبت به دیگر صورخیال و آرایه‌های ادبی دارند. فطرت در تشبیهاتش بیشتر از انواع تشبیهات عقلی به حسی، مفرد به مفرد، بلیغ، ملفوف نسبت به دیگر انواع، استفاده کرده‌است. بسامد استعارات مکنیه نیز در مقایسه با استعارات مصرحه بیشتر است.

کلمات کلیدی: فطرت مشهدی، سبک‌شناسی، سبک‌هنده، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه پیام نور، نجف آباد، ایران
(kamran.kassaei@Gmail.com)

A study of the stylistics of "Fitrat Mashhadi" poems

Kamran Kasaei^۱

Abstract:

Background and Aim: Among the types of criticism and linguistic and literary knowledge, stylistics is one of the methods of methodical criticism. He studied and researched and reproduced new theories and ideas of stylistics. This research tries to show the stylistic features of his poems in linguistic, literary and intellectual levels by reviewing the poems of one of the unknown poets of Indian style named Fitrat Mashhadi.

Methods: This article is based on library studies and has been done in a descriptive-analytical manner.

Results: Mirza Moazeddin Mohammad Mousavi Khan Fitrat is the son of Mirza Fakhra and the granddaughter of one of the great scholars of Mashhad named "Mohammad Zaman Mashhadi" who was born in ۱۰۵۰ AH in Mashhad. He went to Isfahan as a young man and emigrated to India after his religious and literary studies. There he was noticed by Aurangzeb, the king of India, and became his son-in-law. He rose to high positions in India and died there in ۱۱۰۱ AH. His poems are composed in the style of Indian style. In his poems, the features of Indian style can be clearly seen, such as: frequency of recognition, application of equation style, use of various allusions to create new themes and images, etc.

Conclusion: The most frequent topics in the intellectual level of Mashhadi nature poems include the following: love, advice and wisdom, complaint, mysticism, etc. At the linguistic level, the use of weights such as sand and haze has caused the nature of nature poetry. The frequency of slang words is much higher than Arabic and Turkish words. The use of stylistic vocabulary has also given a special dimension to his poems. From a literary point of view, the use of similes, discernments, ambiguities and allusions is more frequent than other literary imaginations and arrays. In his similes, nature has used more types of rational similes to the senses, singular to singular, eloquent, and melodic than other types. The frequency of Meccan metaphors is also higher than that of approved metaphors.

Keywords: Mashhad nature, stylistics, Indian style, language level, literary level, intellectual level

^۱ - Assistant Professor of Persian Language and Literature, , Najafabad branch, Payame Noor University, , Najafabad, Iran (kamran.kassaei@Gmail.com)

۱- مقدمه

با آنکه در طول سالیان دراز گذشته، آثار بسیاری از بزرگان ادب، تصحیح و عرضه گردیده است، هنوز کتب ارزشمند زیادی مجال خودنمایی نیافته و مهجور و دور از دسترس مانده‌اند. در نتیجه صاحبان آن نیز ناشناخته مانده‌اند. یکی از این شاعران گمنام، میرمعزالدین محمد مشهدی (۱۰۵۰-۱۱۰۱ ه.ق) متخلص به «فطرت»، «مُعز» و «موسوی» شاعر سبک هندی در نیمه دوم سده یازدهم هجری است که نه تنها هیچ اثری از او به چاپ نرسیده بلکه چنان که باید مورد توجه محققان و اندیشمندان نیز قرار نگرفته است. او اهل مشهد و به گفته گروهی از محققان و تذکره‌نویسان، اصالتاً اهل قم بود؛ اما علی‌رغم شهرت و پایه بلند در روزگار خویش و ذکر سرگذشت او در تذکره‌ها و منابع متعدد، تاکنون چنانکه باید و شاید به جامعه علمی کشور معرفی نشده است. وی مانند بسیاری از شاعران عهد صفوی به هند مهاجرت کرد و در دربار شاهان هند به مقامات بالایی از جمله وزارت رسید.

فطرت مشهدی در دوره صفویه زندگی می‌کرد و سبک شعری او اصطلاحاً به سبک هندی یا اصفهانی شهرت دارد. «پس از روی کار آمدن دولت صفویه، شعر فارسی به وادی دیگری گام نهاد و طرزی نو و روشی تازه را برگزید و خود را از دوره‌های پیشین ممتاز ساخت. (حائری، ۱۳۹۰: ۱۱) در تقسیم‌بندی خاصی که از شاعران سبک هندی صورت گرفته است، فطرت مشهدی در گروه دوم و در زمره شاعران خیال‌بند (رهروان طرز خیال) جای می‌گیرد. با جستجو در منابع اطلاعاتی مشخص شد که تنها مجتبی طاووسی مقاله‌ای با عنوان «فطرت مشهدی» در شماره ۵۳ مجله آینه میراث نوشته است که در آن به معرفی شاعر و نسخ دیوان وی پرداخته است.

این تحقیق براساس نسخه شماره ۱۳۵۱۰/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که اشعار سه شاعر خواجه حسین ثنایی مشهدی، فطرت مشهدی و واعظ قزوینی وجود دارد، انجام شده است. دیوان فطرت شامل ۱۳۴ صفحه و دربرگیرنده برگه‌های ۵۵ تا ۱۲۱ این نسخه و شامل ۱۵۶۵ بیت است. این نسخه توسط «صفدر علی بن شیخ محمد مشهدی» در ۲۲ ذی‌قعدة سال ۱۱۵۲ به خط نستعلیق نگاشته شده است.

در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، ویژگی‌های سبکی اشعار وی، در سه سطح فکری، زبانی و ادبی بررسی شده است.

۲- معرفی فطرت مشهدی و آثار وی

میرزا معزالدین محمد موسوی، متخلص به «فطرت» و معروف به «فطرت مشهدی» از شعرای بلند همت و خوش قریحه سده یازدهم هجری است که تذکره‌نویسان، خود و اجدادش را از بزرگان روزگار شمرده و ستوده‌اند. بیشتر تذکره‌نویسان تاریخ ولادت وی را

در سال ۱۰۵۰ ذکر کرده‌اند. همه تذکره‌نویسان نام او را «محمد» ذکر کرده‌اند اما القاب گوناگونی برای وی ذکر کرده‌اند، مانند: «میرزا مُعز»، «میرزا معز فطرت»، «میرزا معزالدین محمد»، «معزالدین، محمد موسوی خان»، «میرزا معزالدین محمد موسوی» و «موسوی خان میرزا معزالدین». تخلص وی «فطرت» است و به همین دلیل به «فطرت مشهدی» مشهور گردیده است. اما بعدها، پس از مهاجرت به هند، تخلص «موسوی» را برمبگزیند. گاهی نیز در کنار این دو تخلص، تخلص «مُعز» را نیز به کار میبرد.

پدر او «میرزا فخرا قمی» از سادات موسوی قم معروف به «موسوی قمی» است که از آن دیار به مشهد مهاجرت و در آنجا با دختر یکی از علمای بزرگ مشهد یعنی «محمد زمان مشهدی» میرزا فخرا ازدواج کرد. جد مادری او میرمحمد زمان از علمای معروف مشهد بود. به همین دلیل برخی تذکره‌نویسان وی را قمی میدانند، اما برخی دیگر وی را مشهدی ذکر کرده‌اند.^۱

وی پس از ورود به هند به سبب مرتبه علمی و فضایل وجودی، مورد توجه اورنگ زیب عالمگیر، پادشاه وقت هندوستان قرار گرفت و به اشاره او، با دختر شاهنواز خان صفوی که خواهر زن شاه بود وصلت کرد و در نتیجه همدماماد شاه هند گردید. این ازدواج و نزدیکی با خاندان سلطنتی فطرت را به اوج عزت و اعتبار رساند. ابتدا در پنته (عظیم آباد) به مقامات بالای دیوانی مانند هزاری و سه‌هزاری رسید. سپس به «دیوانی تن» (استیفای ممالک محروسه) و دیوانی دکن نائل گشت. اما در آنجا با امیدخان ناظم پنته، پسر امیرالامرا شایسته خان اختلاف پیدا کرد. اورنگ زیب پس از اطلاع از این نزاع و دشمنی در سال ۱۰۹۹ او را به حضور پذیرفت و پس از احترام و اکرام فراوان، عنوان «خان» را که ظاهراً از عناوین بلندپایه آن روزگار هند بود به لقب موسوی افزود و او را به لقب «موسوی خان» مفتخر گردانید. وی سال بعد به «پایه وزارت دکن و دیوانی تن و هزاری منصب سرافراز گردید». وی در سال ۱۱۰۱ در ملک دکن به دیار باقی شتافت و در همانجا به خاک سپرده شد.

آثار فطرت مشهدی: دیوان: شامل غزلیات، قطعات، قصاید، رباعی و تک‌بیت‌های او است. / سفینه فطرت: سفرنامه‌ای در نه فصل شامل دیده‌ها و شنیده‌های وی در ایران و هند به علاوه حکایاتی از کتب دیگر خصوصاً فرج بعد الشده است. / گلشن فطرت: مشتمل بر اشعار تازه‌گویان است که طبق نقل تذکره‌نویسان، به عنوان «بیاض» از آن یاد شده و سرخوش در تدوین کلمات الشعراي خود از آن بهره گرفته است. (گلچین معانی، ۱۳۶۹؛ ج ۲: ۱۰۲۶ / سرخوش، ۱۳۸۹: ۹۶ و ۲۰۳ / بیاض: گویا فطرت جز گلشن اثر دیگری به نام بیاض نیز

داشته است. از این اثر دست‌نویسی در انستیتوی ابوریحان بیرونی واقع در تاشکند موجود است. (ایمانی، ۱۳۹۱: ۷۳) / مثنوی در ماجرای بنارس: مثنوی کوتاهی درباره داستان عشق شورانگیز سیاحی مسلمان و دختر راجای بنارس در ۱۰۴ بیت است. (فطرت موسوی، ۱۳۴۳: ۴/ ایمانی، ۱۳۹۱: ۶۷) / ردیف الاشعار: گلچینی از اشعار حدود ۲۰۰ شاعر معاصر یا متقدم فطرت مشهدی است (انوشه، ۱۳۸۰: ج ۴ ذیل موسوی مشهدی) نسخه‌ای از این اثر در کتابخانه آکادمی علوم تاجیکستان و نسخه دیگری در کتابخانه عمومی مرکزی نیویورک موجود است (ایمانی، ۱۳۹۱: ۷۰-۷۱) / منشآت: مجموعه‌ای از قطعات منشور است که با عنوان «منشورات فطرت» شناخته شده است. (حاج سید جوادی، ۱۳۹۰: ۴۳۹-۴۴۰) / شعر ریخته (اردو): تذکره نویسان با استناد به بیت زیر، فطرت را شاعری ریخته‌سرا دانسته‌اند: از زلف سیاه تو به دل دهم پری هی در خلوت آئینه گهتا جهوم پری هی (فایم پاندپوری، ۱۹۶۶: ۲۸-۲۹ / کریم الدین، ۱۹۸۳: ۳۲۶-۳۲۷)

۳-نگاهی به قالبهای شعری دیوان فطرت مشهدی

اشعار به جا مانده از فطرت مهدی در سبک هندی و عمدتاً غزل عاشقانه است. بسیاری از غزلهای او ناتمام و کمتر از پنج بیت است. همچنین از او شش رباعی و پنج قصیده باقی مانده است. دو قصیده از پنج قصیده موجود در مدح امام علی (ع) و دیگری در ستایش امام رضا (ع) است.

جدول قالبهای شعری مورد استفاده در اشعار فطرت مشهدی

| قالب | غزل | قصیده | رباعی |
|------|--------|-------|-------|
| درصد | ۹۱٪/۵۸ | ۷٪/۴۰ | ۱٪/۰۲ |

۴-بحث و بررسی

۴-۱-موضوعات و مضامین:

| موضوعات | عشق | عرفان | شکوائیه | پند و حکمت | مفاخره | توجه به وطن و هند | مبارزه با ریا | ستایش ائمه |
|---------|-----|-------|---------|------------|--------|-------------------|---------------|------------|
| درصد | ۶۵٪ | ۹٪ | ۸٪ | ۹٪ | ۰٪/۹ | ۱٪/۸۱ | ۴٪ | ۳٪ |

*عشق:

ز پیکان خدنگش دوش کردم کامرانیها / که با خود داشتیم آهن ربا از سخت جانیها (۱۵)
 نکهت مشک سر از نafe نیارد بیرون / از تو ترسیده ز بس چشم غزالان ختا (۸۱)
 ستمگران هدف تیر کرده‌اند مرا / بتان حواله شمشیر کرده‌اند مرا (۸۵)

هر کجا چشمی است گیرا صید آرامیم ما / آشیان گم کرده هر حلقه دامیم ما (۹۴)
نکشم تنگ در آغوش نگاهش ترسم / که خلد خار به پیراهن نازک بدنی (۱۶۱)
که میگیرد به گردن خون صد عاشق تبسم را / خدا ننماید آن روزی که جانان خشمگین
باشد (۱۸۴)

همچنین در برخی اشعار وی اشاره‌هایی به عشق مجازی و حتی شاهد بازی نیز دیده
میشود.

به هندو زاده‌ای داد دل خود را که از شوخی / خیال پره پان میکند دل‌های پر خون را (۴)
دل‌م را برده از کف پسر بی‌رحم بزازی / متاع آرزو ازان کنی، مطلب گران سازی (۳۵۹)
دل‌م را برده هولی باز هندو زاده مدهوشی / بسنتی چیره کج‌بندی، دو دامی، یک تهی
پوشی (۳۶۳)

تعالی الله زهی شیرین پسر هی / نزاکت هی، رعونت هی، کمر هی (۳۸۴)
*عرفان: « بن‌مایه‌های فلسفی و عرفانی در شعر این دوره بسیار ضعیف و سست می‌باشد،
چون شعر سبک هندی شعر لذت‌های لحظه‌ای و زودگذر است، نه شعر لذت‌های معنوی. در
بررسی شعر این دوره پی می‌بریم که ذوق زیبایی‌شناسانه شاعران و مخاطبان شعر این دوره
وابسته به لحظه‌هایی لذت‌بخش و زودگذر است و این کشف و شهادهای لحظه‌ای، سبب
ابداع‌هایی تازه، تخیلی، تناسب‌های لفظی و تصویرگرایی دور از ذهن می‌گردد (حسن پور
آلاشتی، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۷)

هوای آن می جوشان به سر افتاده بود امشب / ز خامیها خیال شعله ادراک می‌کردم (۱۸)
شب که در میخانه ذوق فنا ساغر زدم / خنده چون صبح قیامت بر صف محشر زدم (۱۳۹)
حریف سخت بازیهای عشقش نیستی فطرت / گذشتن از دو عالم باشد اول داو نرد او (۱۵۱)

توان دید از چراغانهای کثرت نور وحدت را / بود توجیه صورت رنگ کفر آینه کیشان را
(۱۹۵)

در مزرع فنا گرو از برق برده‌اند / آنان که خویش را پر کاهی شمرده‌اند (۲۰۹)
*پند و حکمت: توجه به ادبیات تعلیمی و پرداختن به مباحث اخلاقی از جمله ویژگی‌های
عمومی همه دیوان اشعار است و کمتر اثر ادبی را میتوان دید که از این عنصر خالی باشد.
در شعر این دوره، توصیه و اندرزهای دینی و اخلاقی دیده میشود که به شکل تمثیل و
مضامین بسیار زیبا به مخاطب منتقل میشود.

میشود مرآت حسن لایزالی دیده‌ات / گر شوی بیدار از خواب پریشان حواس (۱۲۸)
زر گنج قناعت را که صرف آبرو کردم / ز قارون کم نمی‌بودم اگر در خاک می‌کردم (۱۳۸)
فطرت‌م را تاب منت‌داری گردون نبود / موسوی افتادگی برداشت بار از دوش من (۱۴۹)

لباس دولت از حق میکند بیگانه نیکان را / شود چون قطره گوهر در کف دریا نمی‌ماند (۱۱۴)

بر تو گوارا شود ناخوش دنیا به صبر / ساعتی از کف بنه آب گل آلوده را (۹۷)
بود دنیا سراب مردعا دنیاپرستان را / دهد رو مطلب دیگر، اگر مطلب روا گردی (۳۶۰)
*مفاخره:

بویی رسیده بود به بونصر و بوعلی / زان گل که ساخت جیب مرا رشک لاله‌زار (قصیده ۱)
شد از مدیح تو طبع من آن چنان روشن / که مهر انوریم خواند و ماه خاقانی (قصیده ۲)
میزند با سرو پهلو مصرع رنگین من / ترسمش با گل بسنجی، طبع موزون نازک است (۹۱)
نیست در طرز سخن فطرت کسی با من شریک / بیت رنگین معنیم را خانه در بسته
است (۹۵)

میشوی بهر چه قائل به وجود چو خودی / موسوی مثل تو در عالم امکان هم نیست (۱۶۹)
موسوی شهره آفاق شدن آسان نیست / گشت بسیار فلک تا چو منی پیدا شد (۲۰۰)
*شکوائیه:

عاقبت گشتم زبون چرخ با چندین هنر / در کمند آورد آخر تنگ میدانی مرا (۳۰)
ز بس که چرخ جدا کرد از عزیزانم / ز سنگ تفرقه گردید تن کبود مرا (۷۳)
آخر به جرم پر هنری کاست قدر من / این صفحه باطل از لفظ انتخاب شد (۱۰۹)
چنان بی‌مهری ایام دارد تیره احوالم / که از دامان شب خاموش میگردد چراغ من (۱۴۹)
احوال من از گشت به هر کسب پریشان / بگسیختن رشته‌ام از پر گهری بود (۲۲۹)
به رغم بی‌وفایی حسرت‌آلود از وطن رفتم / شدم عکس خود و رو بر قفا از خویشستن
رفتم (۲۹۳)

ز برق بیش ضرر داشت ابر بی‌موسم / چه‌ها ز خویش‌نما دوست دشمنان دیدم (۲۹۷)
*مبارزه با زهد ریایی:

نماز جمعه زاهد را بود آئینه بازاری / دکان خودفروشی کرده محراب عبادت را (۸)
زاهدان خشک را در سر هوای عشق نیست / کاسه چوبی کی بود درخور بساط شاه را؟ (۴۴)
در لباس دین دم از دنیاپرستی میزند / زاهد گوساله هم مشغولا سحر سامری است (۱۰۰)
زاهد بگو به ما که گناه شراب چیست / مستی تو هم ز جام غرور احتساب چیست؟ (۱۵۳)
به خویش تهمت آزادگی چرا می‌بست؟ / فقیه شهر که دعوی خودفروشی داشت (۱۶۷)
زاهد آمد ای حریفان باده در ساغر کنید / هیمة خشکی به دست افتاد آتش برکیند (۱۹۱)
ما را بهشت نقد و تو را حور داده‌اند / زاهد میان ما و تو انصاف کرده‌اند (۲۱۹)
*توجه به وطن و هند:

نبودم در وطن هم فارغ از دل‌تنگی غربت / مگر چوب قفس کردند خار آشیانم را (۶۴)

میروم آخر به هندوستان ز دست آن نگار / گرچه از بخت سیه پا در حنا باشد مرا (۷۳)
 ما بلبل عشقیم و قفس بال و پر ماست / چون بوی گل چیده وطن همسفر ماست (۸۶)
 هلاک هندم و خوبان خوش بناگوشش / صباح پند دل آموز و شب فراموشش (۱۳۱)
 به از عیش وطن باشد مرا دلتنگی غربت / که از چوب قفس آزار خار آشیان دارم (۱۴۱)
 در هند نمیدهند کسی رو به کسی / احسان نکنند یک سر مو به کسی (۱۹۲)
 من مرغ آشیان قفس دام گلشنم / آوارگی به سوی وطن میبرد مرا (۱۹۷)
 نگاه سرمه آلودی ز خوبان دیده ام فطرت / اگر در هند باشم باز مشتاق صفاهانم (۲۹۹)
 پشیمانم از این پرواز بیجا سخت میخوایم / به دام عیش یک بار دگر در اصفهان
 افتم (۳۱۲)

مدم در محفلم افسون تکلیف وطن هر دم / که همچون عضو از جا رفته افزون میشود
 دردم (۳۲۱)

تا کی به هند دلم کسب تیرگی / آئینه را وطن که شنیده است زنگبار (قصیده ۱)
 *ستایش ائمه: در دوره صفویه کمتر شاعر فارسی‌گوی مقیم ایران و حتی هند را
 میشناسیم که پیامبر (ص) و خاندان پاکش را ستایش نکرده باشد. در این میان مدح امام
 علی (ع) بسامد بیشتری دارد. فطرت شاعری شیعه مذهب و معتقد به ولایت امیرمومنان و
 خاندان پاکش است. موضوع قصاید اول و دوم از قصاید پنجگانه او در مدح امام علی (ع) و
 امام رضا (ع) است.

۲-۴- موسیقی بیرونی: وزن

موسوی خان فطرت در اشعارش بیشتر از اوزان و بحر آرام و ملایم استفاده کرده است که
 دلیل این امر را میتوان علاوه بر موضوع اشعارش، تلاش برای مضمون پردازی و معنی‌گرایی
 شاعر دانست. دو بحر رمل و هزج بیشترین بسامد را در اوزان شعری دیوان او دارا هستند.
 رمل را که جزو اوزان نرم و سنگین است برای بیان هجران و درد و وزن دلنشین و آرام
 هزج را برای بیان مضامین عاشقانه به کار برده است.

جدول اوزان مورد استفاده در اشعار فطرت مشهدی

| نام بحر | هزج | رمل | مضارع | مجتث |
|----------|-----|-----|-------|------|
| غزل | ۱۶۴ | ۱۴۲ | ۳۹ | ۳۳ |
| قصاید | - | ۲ | ۲ | ۱ |
| تک بیتها | ۱۶ | ۲۴ | ۱۱ | ۸ |
| مجموع | ۱۸۰ | ۱۶۸ | ۵۲ | ۴۲ |

۳- موسیقی کناری: قافیه و ردیف

از منظر سبک‌شناسی، توانمندی شاعران را میتوان با توجه به قافیه‌های شعر آنان سنجید. قافیه محل شهر هنر شاعری یک شاعر است. افزونی حروف مشترک قافیه، وابسته به قدرت شاعر است. قافیه‌ای که تعداد حروف مشترک بیشتری دارد، کلمات آن بیشتر بهم شبیه‌ند و رو به هم سانی می‌روند و هرچه قافیه‌ها از این نظر قویتر باشند، همانند ردیف، تکرار یک کلمه صورت می‌گیرد و این تکرار خود موسیقی‌آفرین است. تعداد حروف مشترک قافیه در اشعار فطرت به چهار دسته قافیه با یک، دو، سه و چهار واج تقسیم می‌شود که قافیه با دو واج مشترک بیشترین بسامد را دارا است.

شعر سبک هندی در رعایت قافیه‌ها و تنوع آنها با اشعار دوره‌های قبل از خود اختلاف اساسی دارد. در سبک‌های ماقبل هندی، تکرار قافیه در غزل جایز نبود و در قصیده هم اعتقاد بر آن بود که فاصله بین قافیه‌های تکراری باید حداقل هفت بیت باشد، اما «شاعران سبک هندی تکرار قافیه را به فاصله یک یا دو بیت (و گاه بی‌هیچ فاصله‌ای) عیب نمی‌شمردند بلکه آن را نوعی هنرنمایی نیز به حساب می‌آوردند. شفیع کدکنی، ۱۳۸۷: ۷۱) بنابراین در یک غزل ممکن است از یک قافیه دو یا چندبار استفاده شود. فطرت نیز در اشعارش از تکرار قافیه بسیار استفاده کرده‌است. به عنوان مثال در غزل شماره ۲۹۳ که شش بیتی است؛ قافیه رنگم را سه بار تکرار کرده و در غزل شماره ۳۵۸ که پنج بیتی است، قافیه‌های پیراهن و دامن را دو مرتبه و در قصیده اول، قافیه «شرار» را چهار مرتبه تکرار کرده است. همچنین وی در ۱۲ مورد از ردال‌قافیه و در قصاید دوم و سوم از تجدید مطلع استفاده کرده است.

از ۳۷۶ غزل کامل و ناتمام (به جز تک بیتها) ۳۱۵ غزل دارای ردیف هستند و فقط ۶۱ غزل ردیف ندارند. ردیف فعلی بیشترین بسامد را دارا است و فعل است با ۱۷ مرتبه و همراه با کلمات دیگر مانند: «ما بس است»، «پیش است»، «بهرتر است» و... در چهل غزل دیده می‌شود. از میان حروف نیز، حرف «را» با بسامد ۶۳ غزل بیشترین تعداد را دارا است. از شش رباعی موجود در دیوان، تعداد سه رباعی دارای ردیف هستند. ولی هیچ یک از پنج قصیده او دارای ردیف نیستند.

۳-۴- سبک‌شناسی واژه‌ها:

با توجه به اینکه در سبک هندی با روگردان شدن دربار صفویه از شاعران، شعر از دربار بیرون آمد و در میان عامه مردم رواج یافت؛ کم‌کم الفاظ و جملات و مثل‌های عامیانه و از همه مهمتر فرهنگ عامیانه در شعر این دوره رواج یافت. «اگرچه این ویژگی به شکلی رقیق در سبک عراقی... سابقه داشته است؛ اما در شعر آنها به عنوان نوعی تفنن به کار می‌رفته در صورتی که در دوره مطالعه ما نوعی ضرورت محسوب می‌شده است. (خاتمی، ۱۳۷۱: ۲۵) به طوریکه میتوان یکی از مشخصه‌های این سبک را میتوان توجه به الفاظ

عامیانه دانست. در شعر سبک هندی در اشعار فطرت مشهدی به الفاظ عامیانه‌ای برخورد میکنیم که در شعر شاعران ادوار پیشین دیده نمیشود: از سر وا کردن (۱۰) آشفته اطوار (۶۵) رو دادن (۶۹ و ۱۹۲)، از سر وا کردن - صاحب مرده (۶۹) شوخ هر جایی (۷۰) خواهی نخواهی (۷۱) کبوترخانه (۷۳) لقمه بی استخوان (۷۸ و ۱۱۲)، چشمک زدن (۸۶)، مفت (۹۴ و ۱۰۹)، هیچکاره (۹۹)، چه چه (۱۰۶ و ۱۵۶)، به گردن گرفتن (۱۱۲ و ۱۹۵)، خانمان خراب (۱۱۴) کس مخر (۱۱۷) و اشدن (۱۲۲)، آتش در ته پا داشتن (۱۲۹ و ۱۶۴)، کار به جای نازک رسیدن (۱۳۵)، خویش نما دوست دشمنان (۱۳۹)، دست رعشه‌دار (۱۶۴)، نسبت دور داشتن به کسی (۱۲۲ و ۱۲۹)، نمک بر زخم پاشیدن (۱۵۷) نوش جان (۱۹۵) بازیگوش (۲۲۰)، شاباش - واه واه (۲۳۵) حنابند (۲۵۵) و...

✽ ترکیبات: ایجاد ترکیبات جدید در شعر عصر صفویه رایج است (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۲۳۳) فطرت نیز از ظرفیتهای زبان فارسی، برای ترکیب‌سازیهایی جدید و تشخیص آفرین خود بخوبی استفاده کرده است و با خلق این ترکیبها، معنی و تصاویر جدیدی را ایجاد کرده است: نوراندود - سرشک خام (۵۹) حُسن گندمین (۶۲ و ۱۴۳)، کشت انتظار (۶۴) کم نگاه (۷۱)، شکوه اسلوب (۷۲ و ۸۸)، خنده دندان‌نما (۷۳ و ۸۳ و...) گل دام (۷۴ و ۸۲ و...) مجمر تصویر حیرت (۷۹) ره خوابیده (۸۲) آتش عنان (۸۴ و ۱۶۹ و...) آرزو گستاخ - شکوه اسلوب (۸۸)، نخل دلخوشی (۹۳) مهتاب رحمت - دیبای زهد - کتان گناه (۹۹)، حُسن صحرائی (۹۷) دست افشار (۱۰۷)، تمنگاه (۱۱۰)، فلاخن نشین (۱۱۵)، آتش اثر (۱۲۵)، پرواز رنگ (۱۳۱ و ۱۳۵ و...) بحر معذرت - بندر پشیمانی (۱۷۴) آینه دل (۱۸۹) و...

✽ اصطلاحات سبکی: سخنوران سبک هندی بیش از دیگر گویندگان ادوار تاریخ ادب فارسی در باب سبک و نقد ادبی سخن گفته‌اند. این آرای ژرف که مبین تجربه‌ای عمیق از مبانی جمال‌شناسی آن روزگار است، غالباً در یک مصراع یا یک بیت بیان شده است (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۲۴)

یاد چشمش فتنه شد راز دل آشوب مرا / شوخی مضمون ز هم وا کرد مکتوب مرا (۷۲)
میزند بر سرو پهلو مصرع رنگین ما / ترسمش با گل بسنجی طبع موزون نازک است (۹۱)
گرچه صد فریاد دارد مقطع خاموشیم / موسوی آهسته تحسین کن که مضمون نازک است (۹۱)

نیست در طرز سخن فطرت کسی با من شریک / بیت رنگین معنیم را خانه در بسته است (۹۵)

معنی بگری اگر پیدا کند بکر است چرخ / مطلع خورشید مضمون مکرر بسته است (۹۵)
ما و فطرت در پی ترتیب دیوان نیستیم / مصرع شوخی که از ما بشنوید از بر کنید (۱۲۵)

۶-۴- صور خیال و آرایه‌های ادبی:

*تشبیه: ابتداییترین صورت تلاش تخیل برای وحدت بخشیدن به صورخیال، تشبیه است. هسته اصلی و مرکزی بیشتر خیالهای شاعرانه تشبیه است.

تشبیه از دیدگاه حسی یا عقلی بودن طرفین:

| نوع تشبیه | حسی-حسی | عقلی-حسی | حسی-عقلی | عقلی-عقلی |
|-----------|---------|----------|----------|-----------|
| درصد | ۳۶٪/۳۶ | ۵۹٪/۵۴ | ۳٪/۰۴ | ۱٪/۰۶ |

محسوس به محسوس: عمریست چون کبوتر دل میزنم به دامت دارم هوس ببینم دل روی دل طپیدن (۱۶۴)

معقول به محسوس: عشق آتش بود و خانه خرابی دارد / پیش آتش دل شمع و پر پروانه یکیت (۷۳)

محسوس به معقول: تو چو اقبال منی، خفته در آغوش رقیب / غافل از عاشق بیچاره که بیدار نشست (۷۷)

معقول به معقول: همچو جان، آتش عشق تو نهان داشته‌ام / برده‌ام بار تو تا تاب و توان داشته‌ام (۲۱۳)

تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه

| نوع تشبیه | بلیغ | مجمل | مفصل | مرسل | موکد |
|-----------|--------|--------|--------|--------|-------|
| درصد | ۴۹٪/۵۹ | ۲۲٪/۴۰ | ۱۳٪/۰۱ | ۱۰٪/۳۴ | ۴٪/۶۳ |

-تشبیه بلیغ: شب که بزم بود رنجور از غم دیدار او / محفلم را می تب گرم و قدح تبخاله بود (۲۰۷)

-تشبیه مجمل: چو دیده مور است دل، ای ماه کجایی / بی لعل تو با ملک سلیمان چه توان کرد (۱۲۰)

-تشبیه مفصل: ریخت رنگ دل تپیدنها ز نوک خامه‌ام / چون رگ جان میتپد در دست قاصد نامه‌ام (۳۲۵)

-تشبیه مرسل: ای کاش چو پروانه پری داشته باشم / تا گاه به کویت گذری داشته باشم (۱۵۹)

-تشبیه موکد: عشق آتش بود و خانه خرابی دارد / پیش آتش دل شمع و پر پروانه یکیت (۷۳)

اضافه تشبیهی: اغلب اضافه‌های تشبیهی در دیوان فطرت، ساده و مطابق سنت ادبی است اما گاه ترکیبات جدید هم در بین آنها دیده میشود: موجّه حیرانی- زورق آینه (۱۷۴) سینه بحر (۲۷۷) سیه خانه دام (۲۱۱) خرمن صبر (۲۳۴) گلدام نگاه (۲۴۵) و..

تشبیه به اعتبار مفرد یا مرکب بودن طرفین

| نوع تشبیه | مفرد- مفرد | مفرد- مرکب | مرکب- مفرد | مرکب- مرکب |
|-----------|------------|------------|------------|------------|
| درصد | ۹۳٪/۳۶ | ۲٪/۲۸ | ۳٪/۱۲ | ۱٪/۲۴ |

-مفرد به مفرد: خوشا به حالت گیسوی همچو سنبیل او که اوفتد ببر آن تن چو نسترنش (۱۲۹)

-مفرد به مرکب: ز زیر پیرهنش چون شراب ناب ز جام دلا بین که چه سان جلوه گر شدهست تنش (۱۲۸)

-مرکب به مفرد: دستهای گنه‌آلود ما را بگذار در چمنزار تو چون آهوی وحشی بچرند (۹۵)

-مرکب به مرکب: چو آن دستی که در بازی به کف انگشتری دارد نهان جز یاد لعلش نیست در مشت غبار من (۳۳۲)

تشبیه به اعتبار تعدد طرفین

| نوع تشبیه | مفروق | ملفوف | جمع | تسویه |
|-----------|-------|--------|--------|-------|
| درصد | ۸٪/۲۰ | ۴۹٪/۶۱ | ۳۸٪/۸۰ | ۳٪/۳۹ |

-تشبیه تسویه: وصل دلبر، هجر دلبر آتش است / پای تا سر، آتش اندر آتش است (۲۱۱)

-تشبیه جمع: چون باغ زیبایی، چون عمر شیرینی / چون عشق پر رازی، چون باده پر جوشی (۱۸۰)

-تشبیه ملفوف: سنجیده‌ایم ما به جز از موی و روی یار / حاصل ز رفت و آمد لیل و نهار نیست (۷۱)

-تشبیه مفروق: خوشا به حالت گیشوی همچو سنبیل / که اوفتد به بر آن تن چو نسترنش (۱۲۹)

اقسام دیگر تشبیه

| نوع تشبیه | مضمّر | مشروط | تمثیل | تفضیل |
|-----------|--------|-------|-------|--------|
| درصد | ۵۶٪/۶۷ | ۱٪/۲۴ | ۱٪/۸۶ | ۴۰٪/۱۳ |

تشبیه تفضیل: گلبرگ برد رشک به رنگ بدن تو / دلتنگ شود غنچه چو بیند دهن تو (۱۷۸)

تشبیه تمثیل در قمار عشق، هستی دادم و عزلت گزیدم / خم چو خالی میشود از باده میافتد کناری (۱۸۱)

تشبیه مشروط: زندان جهان بهر عماد است چو فردوس / گر صحبت ارباب وفا داشته باشد (۱۱۷)

تشبیه مضمَر: خون شد از حسرت میگون او دلم / فریاد از این شراب که ساغر گداز بود)
ش (۱۸۹)

معکوس: یک سو شهاب، چون نگه یار / آتش فکنده سوی احیا (۲۳۹)
تشبیه وهمی: دیده‌ام گاهی اسیرانی به دامی مبتلا / لیک مجنونی چو من سیمِ مرغ کوه
کیمیاست (۹۲)

* استعاره: بیشتر استعاره‌های موجود در اشعار فطرت بسیار ساده و از نوع استعاراتی هستند که فاصله مستعارمنه و مستعارله در آن بسیار اندک است و خواننده با دیدن یکی از طرفین استعاره، به راحتی و بدون اندیشه، به طرف دیگر استعاره پی میبرد.

| نوع استعاره | استعاره مصرحه | استعاره مکنیه |
|-------------|---------------|---------------|
| درصد | ۴۲٪/۰۶ | ۵۷٪/۹۴ |

* استعاره مصرحه:

| نوع استعاره | مصرحه مطلقه | مصرحه مرشحه | مصرحه مجرده |
|-------------|-------------|-------------|-------------|
| درصد | ۲۸٪/۲۸ | ۲۳٪/۱۱ | ۴۸٪/۶۱ |

استعاره مجرده: بسملم را تپش بازپس رفت از یاد / بس که دل محو کمانداری صیادم بود (۱۷۵)

استعاره مرشحه: یوسف من پرده‌پوش از اشک بدنام من است / بوی پیراهن لباس نازک اندام من است (۲۹۲)

استعاره مطلقه: چو فطرت کشته‌ای دارد بت گلگون سوار من / ز دامان قیامت نیست کم دامان زین او (۳۴۵)

* استعاره مکنیه: در اشعار فطرت مشهدی، بسامد استعاره مکنیه در شکل اضافی (اضافه استعاری) تقریباً دو برابر شکل غیر اضافی آن است:

| استعاره مکنیه | غیر اضافی | اضافی |
|---------------|-----------|--------|
| درصد | ۳۶٪/۶۱ | ۶۳٪/۳۹ |

غیر اضافی: حا صلی جز زهر حسرت نیست صاحب جاه را / میگذد اقبال دنیا مردم آگاه را (۴۴)

خوناب جگر میچکد از شعله حسرت / چشمک زدن برق پیام شرر ماست (۱۰۶)
بوی جان میشنوم از چمن زخم مگر / آب حیوان به دم خنجر قاتل بستند (۱۷۱)
ز مهر چرخ کج رفتار بیش از مهر میترسم / به دندان میگزم لب لقمه گر بی استخوان باشد (۱۹۵)

دشمن آسودگیها بود اظهار هنر / تا نشد جوهر نهان آینه چشمی وانکرد (۲۰۸)
چراغ تربتم از گریه ویران کرد عالم را / برگ ابر است گویی رشته شمع مزار من (۳۳۱)

*کنایه: توجه به کنایات در سبک شناسی مهم است. زیرا فقط کسانی که به زبان تسلط کافی دارند میتوانند از این باب استفاده کنند (شمیسا، ۱۳۹۰: ۳۰۰) در اشعار فطرت، بسامد کنایات فعلی و از نوع ایما، نسبت به دیگر انواع کنایات بیشتر است. کنایه از موصوف: کاتب صنع ازل بر مصحف رخسار تو / زد رقم هر آیه رحمت که در شان تو بود (۱۷۷)

کنایه از صفت: پیچ و تاب عشق اگر این است آخر میشود / زلف خوبان حلقه در گوش شب یلدای ما (۱۴)

کنایه از فعل: خوش نماید می ز مینای بلورین ریختن / بهر خونریزم کنی گر آستین بالا خوش است (۱۰۳)

| نوع کنایه | کنایات فعلی | کنایه از صفت | کنایه از موصوف |
|-----------|-------------|--------------|----------------|
| بسامد | ۷۶/۱۶ | ۱۳/۵۶ | ۱۰/۴۴ |

*ایهام و انواع آن: ایهام در شعر فطرت، محور خلق مضامین تازه و آفرینش معانی جدید قرار میگیرد و اساس معنایی بیشتر ابیات شعر این دوره بر دو پهلویی کلمات استوار است که نوعی بازی با ابعاد گوناگون کلمات است.

به نرمی جا اگر گیریم در بزم طرب ساقی / به رنگ پنبه مینا ز سر وا میکند ما را (۵۹)
برگریزان نخل طاقت را نقاب افکندن است / جوینبار گلشن دیدار از خود رفتن است (۹۴)
کاش یاد آری پس از چندین فراموشی مرا / نقد اگر روزی شود این نسیمه کاریها خوش است (۱۰۳)

ز شور ناله من رفت بیستون بر باد / هنوز چشم تو در قصد خواب شیرین است (۱۲۱)
رنگ پریدهام که نشد صید دامنی / از یک نگاه زخمی منقار باز بود (۱۸۹)
کام مردان شاهد دنیای دون کم میدهد / غازه این زال یاد از خون رستم میدهد (۲۰۰)
حاجتی رفع نشد بی بدل عمر عزیز / یوسفی گم گشت اگر پیرهنی پیدا شد (۲۵۴)
نیم گر قابل تیغت، بیا دستی به خنجر کن / نشد گر دامنت رنگین ز خونم دامنی تر کن (۳۴۳)

*تلمیح: تلمیح در سبکهای مختلف و در دست شاعران مختلف کنشهای مختلفی مییابد. این مطلب به نحوی به سبک شناسی نقش گرا مربوط میشود. مواد خام در سبکهای مختلف، نقشهای مختلف مییابند: نقشهای توصیفی، اجتماعی، عرفانی و ... تلمیح در سبک عراقی بیشتر در خدمت بیان احساس و وصف حال عاشق و معشوق است و لذا مثلاً سخن از شیرین و لیلی و فرهاد و مجنون است. در سبک هندی، تلمیح بیشتر برای بیان آموزه های اخلاقی است، از سال المثل میسازد و یا شاعر با آن موضوع را تبدیل به مضمون میکند. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۵۲)

تلمیح به احادیث و قرآن: انگشتی که داد به سائل عطای تو (قصیده ۱) آمد نبی مدینه علم و علی درش (قصیده ۱) داند که غیر شیر خدا نیست حمله دار (قصیده ۱) و. / تلمیح به داستان پیامبران: گلشن مصر است صحرا، گرگ یوسف دریده را (ش ۶۳) آنچه بر خضر آب حیوان است بر ما آتش است (۱۰۱) یوسف جان تا به کی زندانی آب و گل است (۱۰۵) به خویش رفته فرو چون تنور طوفانی (قصیده ۲) به دست دیو مده خاتم سلیمانی (قصیده ۲) / تلمیحات غنایی: ز شور ناله من رفت بیستون بر باد (۱۲۱) بیستونی شده ام تیشه فرهاد کجاست (۱۵۵) / تلمیحات غیر اسلامی و تاریخی: چو منصورم ندارد عشق در قید گرانجانی (۲۹۴) خجلت کشید خامه مانی ز روی تو (ش ۳۴۷)

*اسلوب معادله: شعر سبک هندی، تمثیل (مدعا مثل) و اسلوب معادله یک ویژگی برجسته سبکی است. این صنعت قبل از سبک هندی نیز کاربرد داشت، اما شاعران این سبک از آن بسیار استفاده کردند و از طرف دیگر نحوه استفاده آنها متفاوت است. تمثیل در سبکهای پیشین در چند مصراع تمام می شد، اما در سبک هندی، در یک بیت مطرح میشود. شاعران سبک هندی گاهی مطلب مفصلی را با تمثیل در یک بیت خلاصه کرده اند. مجال گفتگو در کنه ذاتش نیست دانا را / بود ناچار از ضبط نفس غواص دریا را (۶۰) میشود راز دل تنگ از هجوم گریه فاش / خط پریشان مینماید کاغذ نم‌دیده را (۶۹) ریخت چون دندان به جز مردن نباشد چاره‌ای / کاروان هر جا که بار انداخت آنجا منزل است (۹۳)

دل ز هر پیکان شوخی رخمی اندیشه است / جنبش هر برگ نخل ناتوان را تیشه است (۹۶)

دل فسردن بی‌کمالان راست اکسیر حیات / نخل مومین در هوای سرد محکم ریشه است (۱۳۳)

راز اگر فاش شد از ساده‌دلیها چه عجب / عکس را در بغل آینه پنهان کرده اند (۱۸۳) رنجش دریا دلان را احتیاج عذر نیست / زخم روی آب کی محتاج مرهم میشود؟ (۲۲۰) *تناقض: پارادوکس یکی از ابزارهای زبان شاعرانه است که همزمان درست و نادرست را با همنشینی ظریف معنای عادی واژگان درهم می‌تند. در همه ادوار شعر فارسی تصاویر پارادوکسی وجود داشته است. در دوره‌های نخستین شعر و نثر فارسی، به دلیل دریافتها و احساسهای ساده شاعران و نویسندگان، کم و اغلب ساده است. در آثار صوفیان، به سبب عوالم احساسی پیچیده آنها، این نوع بیان گسترش فراوان مییابد و در شعرهای پیروان سبک هندی بسامد بالایی دارد: برق تیغم جامه فتح است عریانی مرا (۷۵)، ز سرمه خورده

به بانگ بلند می‌شنوم (۹۷) چو عمر خویش در رفتن شتاب ساکنی دارد (۲۴۷) بی سر و پای ما خلعت سرتاپایی است (۳۷۸) و...

نتیجه‌گیری

قالب اصلی اشعار او غزل است و در دیوانش قصیده، مثنوی و رباعی نیز دیده می‌شود. موضوعات عشق، عرفان، پند و حکمت، شکوائیه و... سطح فکری اشعار او را تشکیل می‌دهند. از میان اوزان عروضی، بیشترین توجه شاعر به دو بحر هزج و رمل است. از نظر موسیقی کناری نیز بیشتر به اشعار مردف توجه دارد و ردیف در اشعارش ساده و غالباً از نوع فعل و اسم است.

در شعر فطرت، نزدیکی به زبان محاوره، ترکیب‌سازی و کاربرد واژه‌های مربوط به سبک شناسی از عوامل مهم سبک ساز محسوب می‌شود. از میان صنایع بدیعی بیشترین توجه فطرت به تلمیح، ایهام، اسلوب معادله و تناقض است. فطرت در تشبیهاتش بیشتر از انواع تشبیهات عقلی به حسی، مفرد به مفرد، بلیغ، ملفوف نسبت به دیگر انواع، استفاده کرده است. بسامد استعارات مکنیه نیز در مقایسه با استعارات مصرحه بیشتر است.

منابع

- انوشه، حسن (۱۳۸۰) دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) ج ۴، بخش سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ایمانی، بهروز (۱۳۹۱) لطایفی از سفینه فطرت، در نذر عارف (جشن نامه دکتر عارف نوشاهی) به کوشش سعید شفیعیون و بهروز ایمانی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ صص ۶۱-۱۰۶

- حائری، محمد حسن (۱۳۹۰) صائب و شاعران طرز تازه، بررسی دیدگاه‌های هنری و اندیشه‌های ادبی ۲۰۱ شاعر سبک هندی، تهران: نسل آفتاب؛ ص: ۱۱
- حاج سعید جوادی، کمال (۱۳۹۰) فرهنگنامه زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند براساس فرهنگ ادبی و فارسی پروفیسور نبی هادی، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی؛ صص: ۴۳۹-۴۴۰

- حسن پور آلاشتی، حسین (۱۳۸۴) سبک شناسی غزل سبک هندی، طرز تازه، تهران: سخن؛ صص: ۲۶-۲۷

- خاتمی، احمد (۱۳۷۱) پژوهشی در سبک هندی و دوره بازگشت، تهران: بهارستان؛ ص: ۲۵

- سرخوش، محمد افضل (۱۳۶۹) کلمات الشعرا؛ تصحیح علیرضا قزوه، تهران: انتشارات مجلس؛ صص ۹۶ و ۲۰۳

- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰) بیان، ویراست چهارم، تهران: میترا؛ ص: ۳۰۰

-شمیسا، سیروس (۱۳۸۵) فرهنگ تلمیحات، اشارات اساطیری، داستانی، تاریخی و مذهبی در ادبیات فارسی، تهران: میترا؛ ص: ۵۲

- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۷) شاعر آینه‌ها، تهران: آگاه، ص: ۷۱
-غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷) سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، تهران: جامی، ص ۲۳۳

-فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۸۵) نقد ادبی در سبک هندی، تهران: سخن، ص: ۱۲۴
-فطرت مشهدی، میرزا محمد؛ دیوان اشعار، نسخه خطی، شماره ۱۳۵۱۰/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی

-فطرت موسوی (۱۳۴۳) مثنوی در ماجرای بنارس، تصحیح و مقدمه دکتر متین احمد، انجمن فارسی دهلی

-قائم چاندپوری، قیام‌الدین (۱۹۹۶) تذکره مخزن نکات، لاهور: مطبع عالیہ لاهور، صص: ۲۸-۲۹

-کریم‌الدین (۱۹۸۳) طبقات الشعراء هندی، مقدمه محمود الهی، لکهنو: اترپریش اردو آکادمی، صص: ۳۲۶-۳۲۷

-گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹) کاروان هند، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۲: ص: ۱۰۲۶

Sources

-Anoshe, hasan(۲۰۰۱) Encyclopedia of Persian Literature, Persian Literature in the Subcontinent (India, Pakistan, Bangladesh) Volume ۴, Part ۳, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publishing House: p:

-imani, behroz(۲۰۱۲) Latifi from the Ship of Nature, in Aref's Vow (Dr. Aref Noshahi Celebration) by Saeed Shafieiuun and Behrouz Imani, Tehran: Library of the Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly; Pp. ۶۱-۱۰۶

-Haeri mohammadhasan(۲۰۱۱) Saeb and the poets of the new style, a study of artistic views and literary ideas ۲۰۱ poets of Indian style,;Tehran:nasle aftar, p: ۱۱

-haj seyedjavadi,kamal(۲۰۱۱) Dictionary of Persian Language and Literature in the Indian Subcontinent Based on Persian and Persian Literary Culture Prof. Nabi Hadi, Tehran: Persian Language and Literature Development Council; Pp. ۴۳۹-۴۴۰

-hasanpor alashti, hoseen(۲۰۰۵) Stylistics of Indian style lyric, new style, Tehran: Sokhan; Pp. ۲۶-۲۷

- khatami,ahmad(۱۹۹۲) Research in Indian Style and Return Period, Tehran:baharestan, p: ۲۵
- sarkhosh, mohammadafzal(۱۹۹۰) kalematoshoaara; Edited by Alireza Ghazveh, Tehran: Majles Publications; Pp. ۹۶ and ۲۰۳
- shamisam siros(۲۰۱۱) bayan, Fourth Edition, Tehran:mitra, p:۳۰۰
- shamisa siros(۲۰۰۶) Culture of allusions, mythological, fictional, historical and religious allusions in Persian literature, Tehran:mitra, p:۵۲
- shafieikadkani,mohammadreza(۲۰۰۸) Poet of Mirrors, Tehran: Agah, p: ۷۱
- golamrezaei,mohammad(۱۹۹۸) Stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shamloo, Tehran: Jami, p. ۲۳۳
- fotohi, mahmood(۲۰۰۶) Literary Criticism in Indian Style, Tehran: Sokhan, p: ۱۲۴
- fetrat mashhadi, Divan of Poetry, Manuscript, No. ۲/۱۳۵۱۰ Library of the Islamic Consultative Assembly
- fetrat mashhadi, (۱۹۶۴)Masnavi in the story of Varanasi, edited and introduced by Dr. Matin Ahmad, Delhi Persian Association
- gaem chandpoori,gyamoddin(۱۹۹۶) Note on the Repository of Tips, Lahore: Lahore High Press, pp. ۲۸-۲۹ ,pp: ۲۸-۲۹
- karimoddin(۱۹۸۳) Classes of Indian Poets, Introduction by Mahmoud Elahi, Lucknow: Aterprish Urdu Academy, pp. ۳۲۶-۳۲۷
- golchin maani, ahmad(۱۹۹۰) Caravan of India, Mashhad: Astan Quds Razavi Publications, Volume ۲: Page: ۱۰۲۶